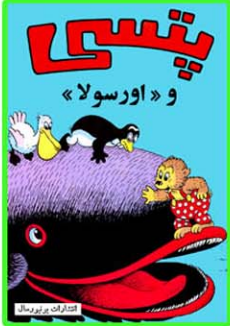
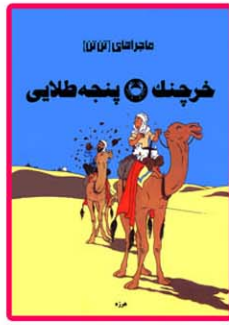


پینوکیو و چوب جادوئی



نوشتہ: کارلو گلودی

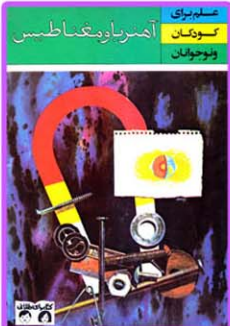
ترجمہ: اولدوز



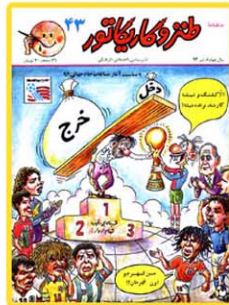
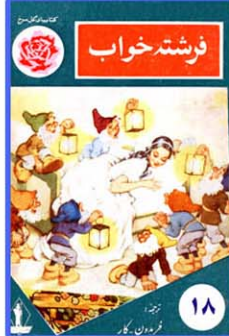
کتابی که دانلود کرده اید توسط اعضای
انجمن شہر خاطرات برای استفاده شما
بطور مجانی تہیہ و آمادہ شدہ است.



shahrekhatelat.forumotion.com



شہر
خاطرات



- ۱- پینوکیو و درخت پول
- ۲- پینوکیو و خیمه شب بازی
- ۳- پینوکیو غرق در خوشبختی
- ۴- پینوکیو و چوب جادوئی

پینوکیو و چوب جادوئی

نوشتہ: کارلو گولودی

ترجمہ: اولدوز



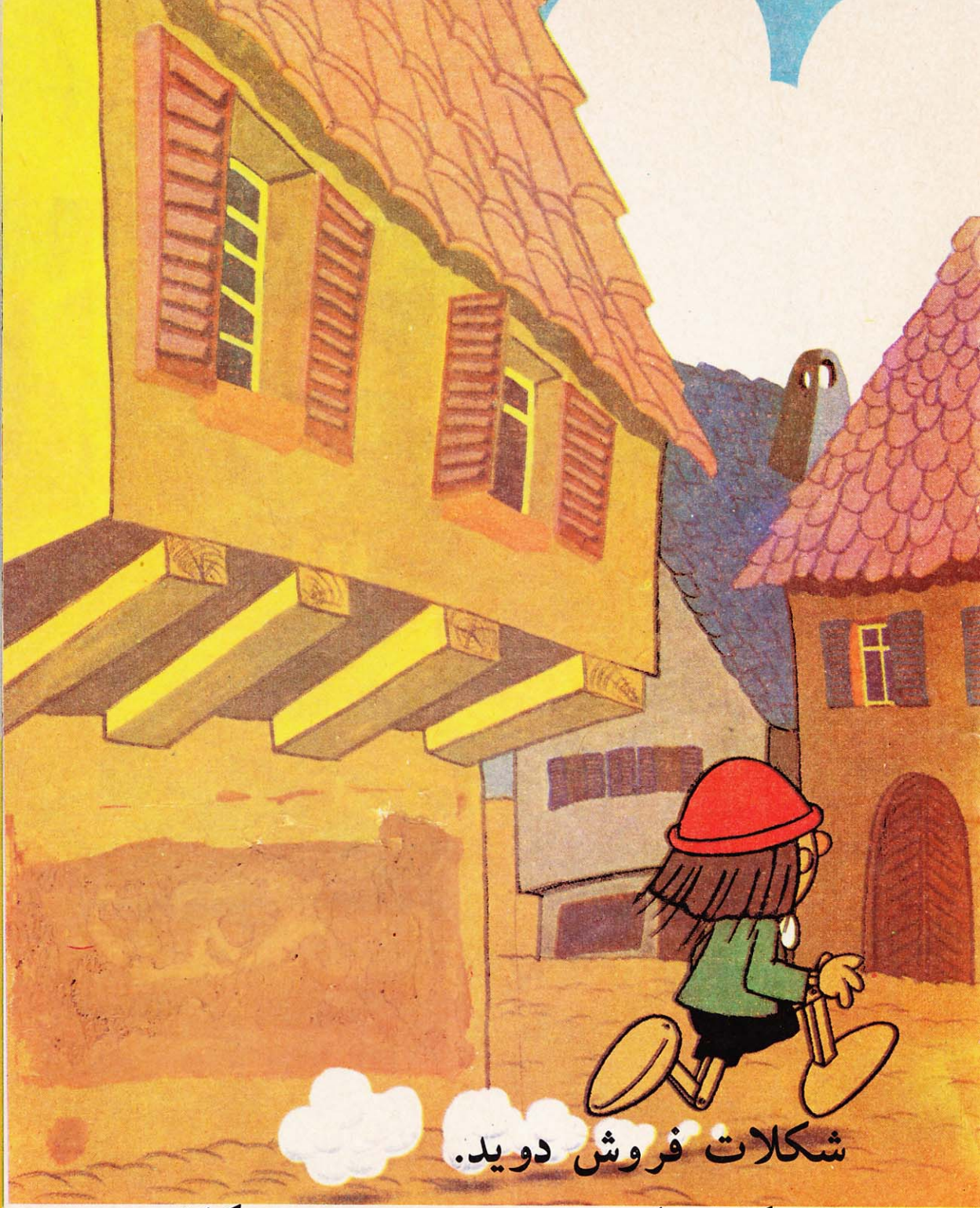
انتشارات سپیدہ

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات سپیدہ می باشد

پینوکیو و چوب جادوئی



پینوکیو فکر خوردن شکلات به سرش
زده بود دوان دوان به طرف مغازه



شکلات فروش دوید.

پینوکیو از پشت ویتترین شکلات
فروش به شکلات‌ها نگاه می‌کرد.



پینوکیو داخل مغازه شد شیرینی
فروش با خنده گفت از کدامشون
میخوای پینوکیو جواب داد از قرمزها



و آبی‌ها.

پینوکیو وقتی باندازه کافی شکلات
گرفت و خواست از مغازه بیرون بیاید



که شکلات فروش پول شکلات‌ها را
خواست پینوکیو از تعجب شکلات‌ها
را زمین ریخت پینوکیو جیب‌هایش را



گشت اما توی جیبش بغیر از چاقو و
پیچ و مهره چیز دیگری نبود.
شکلات فروش خیلی عصبانی شد و



به سر پینوکیو داد زد و گفت بعد از
این دیگه اینجانیا.

پینوکیو از این حادثه خیلی غمگین



بود مرد سحر آمیزی نزدیکش آمد و
گفت چرا غمگینی پسر م پینوکیو آنچه



را که بسرش آمده بود تعریف کرد. مرد
سحرآمیز يك چوب جادوئی به پینوکیو



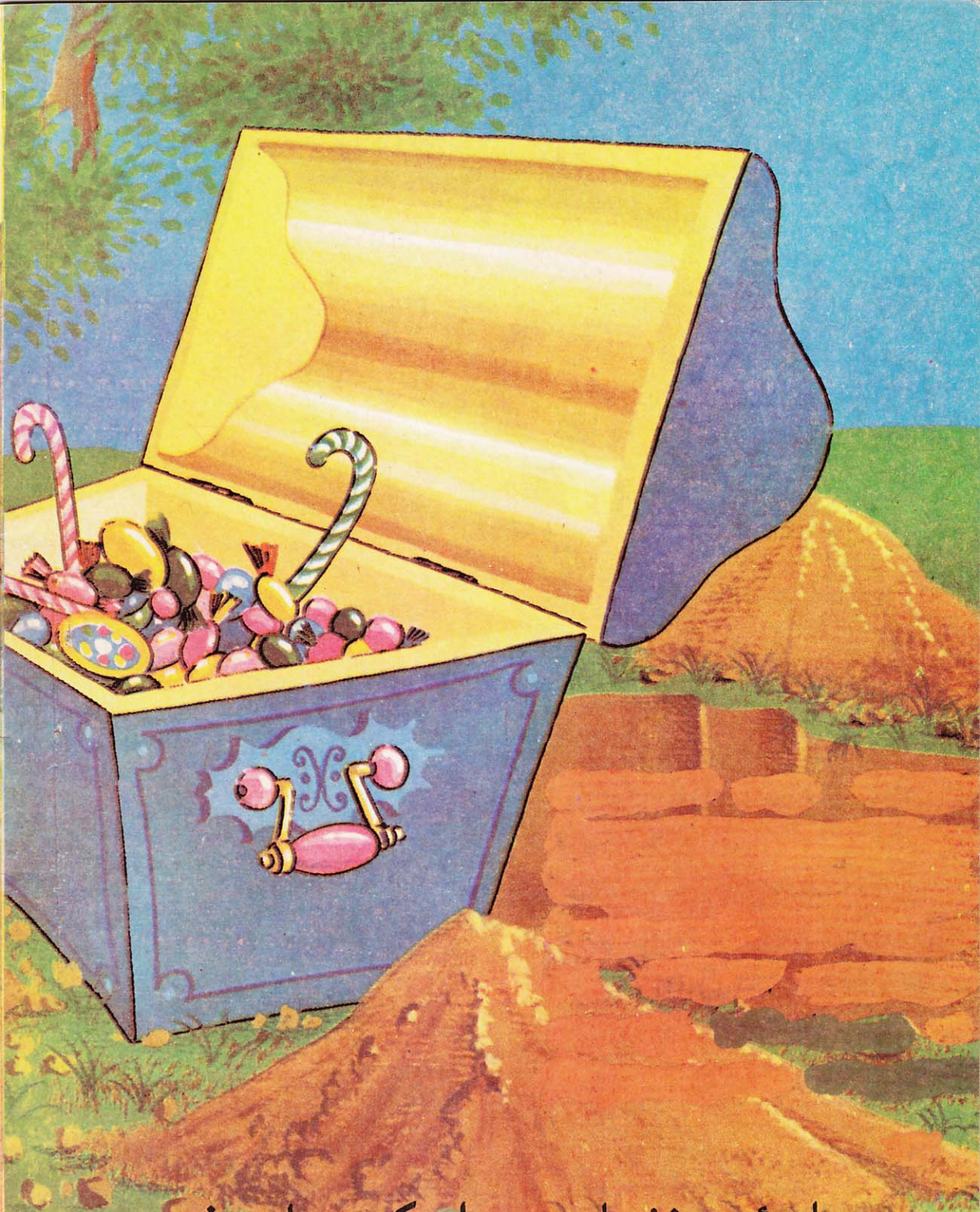
داد و گفت با این چوب به هر چه در
زیرزمین است می توانی دست یابی.



پینوکیو خیلی خوشحال شده بود فوراً
شروع به امتحان چوب جادوئی کرد.



چوب جادوئی پینوکیو را به دشت خارج
از شهر برد پینوکیو جایی را که چوب



جادوئی نشان میداد کند يك دفعه
متوجه يك صندوق شکلات شد.

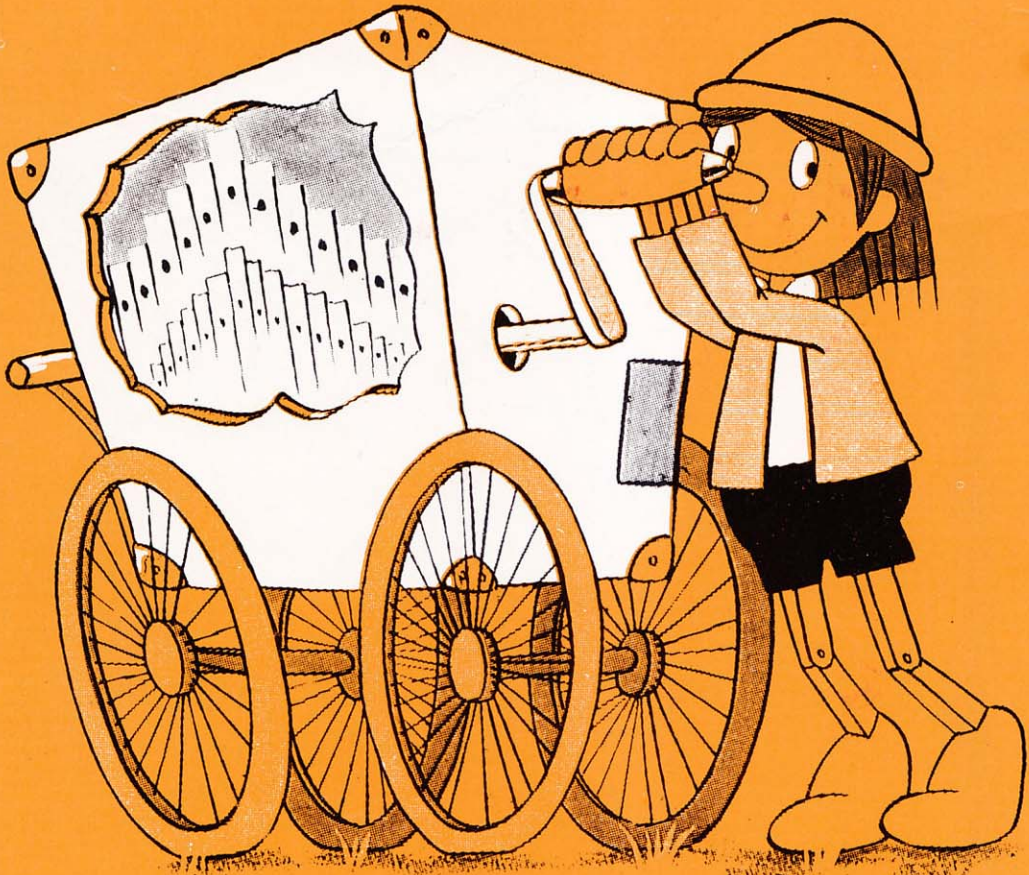


پینوکیو همه شکلاتها را خورد و
مدهاش شروع به درد کرد.



پینوکیو تصمیم گرفت از این به بعد
برای خوردن حرص نزند.

نوشته: کارلو گولودی
ترجمه: اولدوز
ناشر: انتشارات سپیده



از این سری منتشر شده است

- ۳- پینوکیو غرق در خوشبختی
- ۴- پینوکیو و چوب جادویی

- ۱- پینوکیو و درخت پول
- ۲- پینوکیو و خیمه شب بازی



انتشارات سپیده
بها ۵۰ ریال

مرکز بخش انتشارات کورش
تلفن ۳۱۹۲۲۲

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات سپیده می باشد